

تاریخ علم، دوره ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ص ۳۷-۴۸

نجم‌الدوله و اولین کتاب درسی فلسفه جدید در ایران

رضا رنجبر
دکتری فلسفه

ranjbar.r@gmail.com

(دریافت: ۱۳۹۸/۰۵/۰۲، پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۱۰)

چکیده

به‌رغم تصور اولیه، نوشته‌هایی که در دوره قاجار به فلسفه‌های جدید پرداخته‌اند اندک‌اند. از میان این نوشته‌ها، تنها کتابی که به‌قصد آموزش فراهم آمده دوره اصول حکمت فلسفه نام دارد که نسخه خطی آن به دست ما رسیده است. این متن در اصل ترجمه‌ای است به قلم میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله به فارسی از یک کتاب درسی فرانسوی. احتمالاً او کتاب را به‌طور خاص برای تدریس در مدرسه دارالفنون ترجمه کرده باشد؛ هرچند اطلاعی در این باره در دست نیست. اما نسخه فرانسوی کتابی است مفصل که برای دانش‌آموان سال آخر دبیرستان نوشته شده بود و مترجم فقط بخش‌های ابتدایی آن را ترجمه کرده است. نجم‌الدوله - هم‌چون اغلب مترجمان آثار فلسفی در دوره قاجار - آشنایی چندانی با فلسفه نداشته است؛ چنان‌که خود نیز بدان تصریح دارد. این مقاله در نظر دارد ضمن معرفی این ترجمه، با رجوع به متن موجود و مطابقت آن با کتاب فرانسوی به‌اجمال به دیدگاه مترجم آن بپردازد.

کلیدواژه‌ها: آموزش فلسفه، دوره قاجار، کتاب درسی، نجم‌الدوله.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

گزارش‌های برجای مانده از دوره قاجار نشان می‌دهند که مجالس درس فلسفه در شهرهای بزرگ ایران برقرار بوده (از جمله نک: گوبینو، ص ۹۰) و فیلسوفان سنتی، که عمدتاً حکما خوانده می‌شدند، مورد عنایت و حمایت شاه قرار داشته‌اند؛ چنان‌که فتحعلی‌شاه در اوایل این دوره از ملاعلی نوری، شارح فلسفه ملاصدرا، دعوت کرد که مجلس درس خود را از اصفهان به تهران منتقل کند؛ هرچند او با عذر پیری از این امر امتناع کرد و شاگرد مبرزش ملاعبدالله زنوزی را در ۱۲۳۷ ق به جای خود به پایتخت فرستاد (نصر، ص ۷۵). با استقرار ملاعبدالله، فلسفه در تهران رو به رونق گذاشت و آنچه با عنوان مکتب فلسفی تهران شناخته می‌شود پایه‌گذاری شد. در همین دوران، مدارس هم با شیوه آموزش جدید، ابتدا توسط مسیونرهای غربی و سپس درباریان و چهره‌های سیاسی و فرهنگی تأسیس شد. از برنامه درسی و محتوای کتاب‌های اولین مدارس جدید بسیار اندک می‌دانیم؛ هرچند اطلاعات ما از مدارسی که توسط نهادهای مسیونری مسیحی برپا شد، به دلیل سابقه آنها کمی بیشتر است. هما ناطق از پژوهشگرانی است که در باره این مدارس در دوره قاجار تحقیق کرده‌است. در تحقیقات او بعضاً به تدریس فلسفه در این مدارس نیز اشاراتی هست. از جمله این‌که در دوره محمدشاه در مدارس لازاریست‌های ارومیه، در کنار دروسی چون فقه و تاریخ کلیسا، فلسفه و تاریخ فلسفه هم تدریس می‌شده‌است (ناطق، ۱۳۸۰، ص ۱۸۸؛ نیز نک: همو، ۱۳۶۸، ص ۱۹۱). همچنین در همین دوره، از خلال گزارش پادریان فرانسوی علیه رقبای پروتستان خود درمی‌یابیم که فلسفه در مدارس مبلغان آمریکایی در کنار دیگر علوم تدریس می‌شده‌است؛ هرچند در این گزارش خصمانه، از «به اصطلاح فلسفه» یاد شده و در باره شاگردان آن هم آمده که جز «اتهاماتی چند» علیه کلیسای رُم، «نه فلسفه می‌دانند و نه رشته دیگری می‌شناسند» (همو، ۱۳۶۸، ص ۱۹۴). به علاوه می‌دانیم که فلسفه حوالی سال‌های مشروطه جزو برنامه آموزشی مدارس آلیانس هم بوده‌است (همو، ۱۳۸۰، ص ۱۱۲). اما به جز این قبیل اشارات کلی و مبهم، از محتوای کتاب‌های درسی فلسفه اطلاع دیگری نداریم.

معرفی اولین کتاب درسی فلسفه جدید

تنها منبع آموزشی شناخته شده در فلسفه جدید در دوره قاجار کتابی است با عنوان دوره اصول حکمت فلسفه که در ۳۴۶ صفحه ترجمه شده‌است. این کتاب را میرزا عبدالغفار

نجم‌الدوله و اولین کتاب درسی فلسفه جدید در ایران / ۳۹

نجم‌الدوله، از دانش‌آموختگان و معلمان ریاضی دارالفنون، بنا به‌خواست میرزا علیقلی خان مخبرالدوله، وزیر علوم، و به‌منظور تدریس در مدارس (احتمالاً دارالفنون) در سال ۱۳۰۸ ق از فرانسه به فارسی ترجمه کرده است. نجم‌الدوله از منبع فرانسوی خود نامی به‌میان‌نیاورده است و عنوان انتخابی برای این کتاب هم کمک‌چندانی برای یافتن عنوان اصلی نمی‌کند، اما نام نویسنده را «موسیو لابه ادوار بارب» ضبط کرده است. همین نام، که بخشی نادرست دارد، ابتدا ما را به نویسنده آن L'Abbé E. Barbe و سپس به کتاب او، *Cours élémentaire de philosophie*، رهنمون می‌شود. نام نویسنده هم، در اصل، نه ادوارد که تئودور-اُستش است. تئودور-اُستش بارب^۱ کشیشی فرانسوی و معلم فلسفه در پاریس بوده و این کتاب درسی را برای اولین بار در سال ۱۸۴۶ منتشر کرده است.^۲ این کتاب در پنج فصل روان‌شناسی، منطق، تئودسیسه، اخلاق و تاریخ فلسفه نوشته‌شده و نجم‌الدوله استدلال مؤلف در انتخاب این ترتیب را چنین نقل کرده است:

دوره فلسفه را ابتدا می‌کنیم بعلم جان، و احوال روح را بطریق نظر ذاتاً و طبیعتاً ذکر می‌کنیم؛ و هکذا اصول و قواعدی را که باید مدیر قوای روح شوند بطور شایسته. و این فقره واضح است که معرفت بحال وجودات مقدم است بر ذکر اسباب اداره و راهنمایی آنها، پس علم روح انسانی ابتدا میشود بنظریات صرف، که لاپسیکولوجی باشد. و بعد از اتمام آن طبعاً مقام الحاق دو فن عملی است که منطبق باشد و اخلاق؛ و اما منطق مقدم شود بر اخلاق، از آنجهت که باید اول قوه ادراک را روشن نمود تا اراده را عاقلانه تربیت کند و پیش برد (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ ق، ص ۴۲؛ برای متن فرانسه، نک: بارب، ۱۸۷۲، ص ۱۶-۱۷).

بارب با همین شیوه لزوم پرداختن به تئودسیسه (=الهیات) پیش از اخلاق و تاریخ فلسفه پس از اخلاق را هم توجیه می‌کند. مطابق اطلاعات مندرج در کتاب بارب، او منبعی درسی به‌قصد آموزش فلسفه در دبیرستان نوشته بود. بنابراین، سرفصل مطالب و ترتیب آن، به‌رغم کوشش بارب برای توجیه عقلانی آن، بیش از آن‌که ابتکار شخص او باشد در اصل با برنامه آموزشی آن دوره مطابقت دارد؛ چنان‌که این فصل‌بندی را در

1. Théodore-Jean-Eustache Barbe (1802-1876)

2. Barbe, Eustache. (1846). *Cours élémentaire de philosophie*. Paris: J. Lecoffre et Cie, 1ère éd چاپ پنجم این کتاب در سال ۱۸۷۲ م منتشر شده و در این نوشتار همین چاپ به‌عنوان منبع استفاده شده است.

بسیاری از کتاب‌های درسی فلسفه در قرن نوزدهم فرانسه مشاهده می‌کنیم.^۱ در این دوره، آموزش فلسفه در فرانسه زیر نفوذ ویکتور کوزن،^۲ بنیان‌گذار (یا احیاگر) فلسفه اکلکتیسم^۳ و چهره مسلط در نظام آموزشی فرانسه بود. کوزن و فلسفه‌اش بازتاب‌هایی در آثار برای ما کم‌یابیش ناشناخته است، اما از قضا نام او و فلسفه‌اش بازتاب‌هایی در آثار نویسندگان و مترجمان دوره قاجار داشته‌است؛^۴ برای نمونه، می‌توانیم به نقل‌قول‌های میرزا خلیل‌خان ثقفی (۱۳۲۳ش/۱۳۶۳ق-۱۲۷۹ق) از او در نوشته‌اش در باره زمان و مکان (۱۳۰۹ق)، یا به تقسیم‌بندی‌ای که میرزا آقاخان کرمانی در کتاب حکمت نظری از حکمای جدید اروپا ذکر می‌کند اشاره کنیم. آقاخان کرمانی اکلکتیسم را یکی از چهار جریان اصلی تفکر در غرب، در کنار جریان‌های «متدیک»، «سپتیک» و «میسیتیک» برمی‌شمارد (کرمانی، ص ۷۰).^۵ به آرای ویکتور کوزن در همین ترجمه نجم‌الدوله نیز اشاراتی شده‌است (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ق، ص ۷۳).

۱. برای نمونه، نک:

Marie Stanislas Rattaie. (1844). *Manuel élémentaire de philosophie: ou Abrégé du cours complet de philosophie*, Gaume frères; Charles Magloire Bénard. (1845). *Précis d'un cours élémentaire de philosophie à l'usage des collèges* rédigé d'après le programme officiel de l'Université, etc.; Amédée Florent Jacques, Jules Simon, Émile Edmond Saisset. (1857). *Manuel de philosophie*, L. Hachette; Charles Marie Gabriel Bréchillet Jourdain (1863). *Notions de philosophie*. Libr. de L. Hachette; L. C. de Peretti. (1865). *Éléments de Philosophie mis en rapport avec le nouveau programme et suivis d'un précis d'histoire de la philosophie*; Albert Louis Bunot. (1869). *Éléments de philosophie chrétienne: Psychologie. Logique. Morale. Théodicée. Notions d'histoire de la philosophie*; Joseph Fabre. (1870). *Cours de philosophie suivi de notions d'histoire et de la philosophie*, etc. C. Delagrave.

2. Victor Cousin (1792-1867).

۳. *écléctisme*: گزینش‌گری. محمدعلی فروغی در کتاب سیر حکمت در اروپا اشاراتی به آرای کوزن کرده و اگرچه هم‌چون اغلب مترجمان ایرانی به‌جای اصطلاح اکلکتیسم از «التقاط» استفاده کرده، اما «گل‌چینی» را تعبیر دقیق‌تری برای آن می‌داند. (فروغی، ۱۳۲۰، ص ۱۰۹). «التقاط» که در زبان فارسی معنای منفی القا می‌کند، ترجمه مناسبی برای *syncretisme* است. همچنین برای اطلاع بیشتر از سابقه اکلکتیسم و جایگاه ویکتور کوزن در طرح مجدد آن، نک:

Jacques Billard. (1997). *L'écléctisme*. Paris: Presse universitaire de France.

۴. نک: رنجبر، رضا. (تابستان ۱۳۹۲). «زمان و مکان در نظر میرزا خلیل‌خان ثقفی (اعلم‌الدوله)؛ یک رساله فلسفی». تاریخ فلسفه ۴ (ش ۱۳)، ص ۱۲۰-۱۱۸.

۵. میرزا آقاخان کرمانی در نوشته خود این اصطلاحات را به ترتیب به‌جای *methodisme* (روش‌گرایی)، *scepticisme* (شک‌گرایی) و *mysticisme* (باطن‌گرایی) آورده‌است.

نجم‌الدوله و اولین کتاب درسی فلسفه جدید در ایران/ ۴۱

از میان پنج بخش کتاب اصلی، نجم‌الدوله صرفاً به ترجمه مقدمه و بخش روان‌شناسی آن بسنده کرده است. مقدمه کتاب بارب، شامل کلیاتی در باب فلسفه، موضوع، روش، فایده، اهمیت و اقسام آن است. او همچنین بعضی مفاهیم اساسی فلسفه، چون وجود، جوهر، ماهیت، و مقوله را هم به اختصار شرح داده است (بارب، ۱۸۷۲، ص ۱-۱۳). اما بخش مهم‌تر این ترجمه، بخش روان‌شناسی است که در آن، نویسنده، علاوه بر تعریف این علم و موضوع آن به مفاهیم اساسی این حوزه می‌پردازد. آرای فیلسوفانی چون دکارت، لاک، لایبتز، کوندیاک^۲ و بوسوئه^۳ در باب فاهمه و ادراکات انسان نیز برای اولین بار با این ترجمه در زبان فارسی مطرح شده است. عناوین اصلی مطالبی که نجم‌الدوله در این بخش آورده عبارتند از:

- جزو اول حکمت فلسفه: در لاپسیکولوجی که معرفت نفس باشد؛ در موضوع این علم؛ در بیان وجدان که به فرنگی کونسیانس گویند و مقام یقین که صفت خاصه اوست.
- فصل اول: در افعال وجدان و تصورات و خیالات ما بر وجه عموم؛ در بیان صفات ممیزه تصورات مان و اقسام مختلفه آنها؛ در بیان مبدأ و منشاء خیالات و تصورات و صورت‌بندی آنها.
- فصل دوم: در شرح قوای روح؛ در علم نظری قوا؛ در طریق تعیین وجود هر کدام از قوا در نفس ناطقه: اول، در شرح قوه حس؛ در صفات ممیزه قوه حس. دوم، در معرفت قوه ادراک که عقل و هوش و برهان عقلی نیز گویند؛ در صفات مخصوصه و ممیزه قوه معرفت. سیم، در فعالیت یا تعدیه و صفات مختلفه اش؛ در بیان فعالیت ارادی و آزاد؛ در بیان فعل اراده و جمع صفات و کیفیات آن؛ در برهان وجود ارادی و اختیار.
- فصل سوم: در طبیعت روح یا نفس ناطقه؛ در معرفت من و اتحادش و واحدیش یا وحدتش؛ در اتحاد من؛ در وحدت من؛ اول: از روی قوت تفکر؛ ثانیاً: از روی قوه مقایسه؛ در تمییز میان روح و بدن.

1. psychologie

2. Étienne Bonnot de Condillac (1714-1780)

3. Jacques-Bénigne Bossuet (1627-1704)

یادداشت مترجم

نجم‌الدوله، علاوه بر ترجمه مقدمه و بخش روان‌شناسی، یادداشت کوتاهی هم در ابتدای متن آورده که حاوی چند نکته روشن‌گر در مورد کار اوست: او مدعی شده که دوره اصول حکمت فلسفه کتابی است در «تاریخ فلسفه»، و این که «این اولین نسخه‌ای است که در این عهد در فن شریف حکمت فلسفه ترجمه می‌شود» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ ق، ص ۱). اما عملاً نه موضوع این ترجمه، تاریخ فلسفه است و نه این کتاب اولین ترجمه در فلسفه جدید در ایران به حساب می‌آید.^۱ ادعای مترجم تنها در صورتی معتبر است که دوره اصول حکمت فلسفه را به‌طور خاص کتابی درسی در فلسفه و روان‌شناسی جدید در نظر بگیریم.

نجم‌الدوله همچنین در این یادداشت تلویحاً از عدم آشنایی خود با فلسفه آورده بود: «انس حقیر بیشتر بکسب ریاضیات و طبیعیات است و نجوم؛ و در آن فنون چندین کرور بیت در کمال سلامت و متانت ترجمه و تألیف نموده.» (همان‌جا) اما نجم‌الدوله می‌افزاید که گاهی نزد «یکی از قسیسین بزرگ، عالم فاضل حکیم دانشمند موسیو پلانیار کاتولیک» فلسفه می‌خوانده است (همان، ص ۲). تنها اروپایی شناخته‌شده با این نام در این دوره، لویی-ماری پلانیار،^۲ کشیش لازاریست فرانسوی مقیم تهران و از مدرسان مدرسه سنت لویی بوده است. ظاهراً شاگردان این مدرسه از پلانیار فراگیری «متون فلسفی» جهان غرب را طلب می‌کرده‌اند (ناطق، ۱۳۸۰، ص ۱۹۷). تأسیس این مدرسه (۱۲۷۸/۱۸۶۲ ق) مقارن حضور آرتور دوگوبینو، وزیر مختار دولت فرانسه در ایران و از مشوقان ترویج زبان و فرهنگ فرانسوی در ایران بود که ناامیدانه از هم‌وطنان خود می‌خواست به کنجکاوی علمی جوانان ایرانی پاسخ دهند (گوبینو،^۳ ۱۹۵۹، ص ۲۵۳)؛ خود او هم برای اولین بار گفتار در روش را، به‌رغم مخالفت با افکار دکارت، برای ترجمه به مترجمانی سپرد و حاصل کار را در سال ۱۲۷۹ ق، یک‌سال پس از تأسیس مدرسه سنت لویی، در تهران منتشر کرد. گوبینو در تلگراف‌های دیپلماتیک خود نیز از پدر پلانیار یاد کرده (ژوئن ۱۸۶۳/۱۲۸۰ ق) و او را آدمی بسیار معقول از اهالی جنوب فرانسه معرفی کرده است (همان). ذکر مجدد نام پلانیار در یادداشت سال ۱۳۰۸ ق نجم‌الدوله نشان از حضور این کشیش فرانسوی در ایران، یا دست‌کم ارتباط

۱. پیش از این ترجمه، دست‌کم گفتار در روش دکارت در سال ۱۲۷۹ ق به فارسی ترجمه شده بود.

2. Louis-Marie Plagnard

3. Gobineau

نجم‌الدوله و اولین کتاب درسی فلسفه جدید در ایران / ۴۳

طولانی مدت او با ایرانیان دارد. بعید نیست نجم‌الدوله طیّ این مدت با این کشیش آشنا شده و کتاب بارب را هم او برای ترجمه به نجم‌الدوله معرفی کرده یا در اختیارش گذاشته باشد.

در باره ترجمه کتاب

متنی که نجم‌الدوله برای ترجمه برگزید کتابی آموزشی برای گذراندن امتحان نهایی فلسفه در سال آخر دبیرستان و اخذ دیپلم^۱ بود؛ کتابی حجیم در ۷۴۵ صفحه، دارای اصطلاحات فنی و تخصصی بسیار. هدف این کتاب آشناسازی دانش‌آموزان فرانسوی با مفاهیم، تعاریف و مباحث اصلی فلسفه و محکی جدی برای ارزیابی فلسفی آنان به‌خصوص برای ادامه تحصیل در این رشته بود. در نتیجه، مترجم ایرانی با بسیاری از اصطلاحات جدید، به‌خصوص در موضوع فاهمه، برای اولین بار مواجه می‌شد. از این منظر، به‌واقع می‌توان ترجمه نجم‌الدوله را اولین متن فنی فلسفه در ایران به‌حساب آورد. این امر در کنار ناآشنایی مترجم با فلسفه و مفاهیم فلسفی باعث شده ترجمه او نادقیق و در مجموع نارسا از کار درآید؛ از فهم نادرست زمینه مسائل فلسفی مطرح‌شده در کتاب -که بدان اشاره خواهیم کرد- تا برخی خطاها در ترجمه کلمات، از جمله: «معنی تحت‌اللفظ» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ ق، ص ۴۷)، به‌جای *étymologie* (بارب، ۱۸۷۲، ص ۱۹)، «استخراج» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ ق، ص ۱۸۲) به‌جای *déduction* (بارب، ۱۸۷۲، ص ۶۵) و «استنباط» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ ق، ص ۱۸۴) به‌جای *induction* (بارب، ۱۸۷۲، ص ۶۶) که به‌معنای استقرا است.

در مقابل، و گذشته از این‌گونه خطاها و ابهامات، بعضی معادل‌هایی که نجم‌الدوله برای مفاهیم تخصصی روان‌شناسی برگزید پسند اولین تحصیل‌کردگان روان‌شناسی در ایران قرار گرفت و آنها را در آثار خود به‌کار بردند؛ بعضی از این مفاهیم، چون «تجرید» در مقابل *abstraction* و «تعمیم» در مقابل *généralisation* همچنان کاربرد دارند. این دو مفهوم، بعد از ترجمه نجم‌الدوله اول‌بار در کتاب علم‌النفس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت (۱۳۱۷ش) نوشته علی‌اکبر سیاسی (۱۳۶۹-۱۲۷۴ش) استفاده شد (داوری‌اردکانی، ۱۳۸۳، ص ۱۵۶). سیاسی، از جمله تحصیل‌کردگان مدرسه علوم سیاسی بود که به فرانسه اعزام شد و پس از اخذ مدرک کارشناسی و بازگشت به ایران

در همین مدرسه و مدرسه دارالفنون به تدریس پرداخت (سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۳۹-۹۰). او پس از عزیمت دوباره به فرانسه، دکترای روان‌شناسی خود را از دانشگاه سوربن (۱۳۰۹ش) دریافت کرد. در بخشی از کتاب خاطراتش، گزارش یک زندگی، ماجرای ملاقات او با علی‌اکبر دهخدا، مدیر مدرسه علوم سیاسی و شروع به‌کار او در آن مدرسه روایت شده‌است. در این ملاقات (۱۳۰۴ش)، سیاسی به‌اجمال جایگاه بحث «علم‌النفس» در سنت فلسفی اسلامی و اروپایی را برای دهخدا توضیح می‌دهد و چگونگی انشعاب این علم در دوره جدید از فلسفه و تأسیس و شکل‌گیری آن به‌عنوان علمی مستقل را بیان می‌کند. دهخدا نیز تأیید می‌کند که این علم با چنین مشخصاتی هیچ سابقه‌ای در ایران نداشته‌است. بنابه روایت سیاسی، در همان جلسه بوده که این دو، کلمه «روان‌شناسی» را به‌عنوان معادلی برای علم‌النفس وضع می‌کنند (همان، ص ۲۹۷-۲۹۵). از جمله مشکلات او در دوران تدریس در دارالفنون «یافتن یا وضع کردن واژه‌های فارسی یا عربی معادل اصطلاحات علمی خارجی» (همان، ص ۶۳) بوده؛ بنا بر این ترجمه مفاهیم علوم جدید در زمره دغدغه‌های او بوده است. هرچند سیاسی در خاطرات خود نامی از نجم‌الدوله یا کتاب او نبرده، با این حال، بعید است سیاسی در سال‌های تدریس در دارالفنون از تنها کتاب ترجمه شده در فلسفه و روان‌شناسی زمان خود بی‌اطلاع، و استفاده او از بعضی مفاهیمی که در ترجمه نجم‌الدوله آمده به‌تصادف بوده باشد.

دیدگاه نجم‌الدوله

پژوهشگرانی که در باره دوره قاجار تحقیق می‌کنند اغلب نجم‌الدوله را به‌عنوان یکی از پیشگامان ترویج علوم جدید در ایران معرفی می‌کنند.^۱ علاوه بر تألیف کتاب‌های پرشمار درسی، اولین سرشماری جمعیت در ایران به‌قصد تعیین شمار جمعیت پایتخت را هم او در سال ۱۲۸۴ق به فرمان ناصرالدین‌شاه اجرا کرد و در گزارش آن برای

۱. البته نباید در باره اهمیت آثار نجم‌الدوله اغراق کرد؛ به‌رغم فهرست نسبتاً بلند آثار علمی او، این آثار از عمق چندانی، حتی در حوزه‌های ریاضی و نجوم که تخصص اصلی اوست، برخوردار نیستند و اغلب چندان پیشرفت‌های علمی زمان خودشان را بازتاب نمی‌دهند.

نجم‌الدوله و اولین کتاب درسی فلسفه جدید در ایران / ۴۵

نخستین بار در ایران به نظریه معروف مالتوس^۱ در باره جمعیت پرداخت^۲. از آنجا که ترجمه کتاب بارب تنها فعالیت شناخته شده نجم‌الدوله در حوزه فلسفه به حساب می‌آید، شاید سخن گفتن از نظر او چندان وجهی نداشته باشد. با این حال، در این ترجمه دلالت‌هایی هست که به استنادشان می‌توان به اجمال از فهم قدمایی او از کتاب بارب سخن گفت. اولین نشانه این فهم قدمایی‌گزی‌نش و به‌کارگیری اصطلاحات مشهور در سنت علوم اسلامی، جدا از نادقیق و نادرست بودن بعضی از آنها، است: تعابیری چون حکمت به جای philosophie، معرفت‌الله به جای connaissance de Dieu، علم‌النفس به جای psychologie، نفس ناطقه به جای âme humaine، وجودات مجرد و روحانیه به جای êtres spirituels، الهامات ربانی به جای révélation divine، علم‌الیقین به جای certitude، یا علم نفس ناطقه (sciences noologiques). در واقع تحویل فلسفه‌های جدید اروپا به متنی آشنا در چارچوب تفکر اسلامی (عرفان، فلسفه و کلام اسلامی) باعث تقلیل مضاعف آنها و در نتیجه یکی از موانع فهم آنها بوده است. اما این نشانه به‌تنهایی نمی‌تواند معیار سنجش نگاه او باشد. نشانه مهم‌تر، هنگامی نمایان می‌شود که نجم‌الدوله در تبیین نظر بارب و تکمیل ترجمه خود، متوسل به آیات قرآن، روایات و اشعار می‌شود.^۳

کتاب *Cours élémentaire de philosophie*، به‌رغم وابستگی مؤلف آن به کلیسا، در اصل به سنت فلسفه‌های جدید تعلق دارد و متأثر از فکر و فلسفه دکارت و در چارچوب سنت راسیونالیسم فرانسوی نوشته شده که مطابق آن، «خود» مبنای هرگونه شناخت قرار می‌گیرد؛ و لذا، گرچه در نظر بارب، موضوع فلسفه، علم به خدا و به روح انسانی است با این حال، بحث روان‌شناسی در کتاب او مقدم بر الهیات آمده است. او در توجیه این ترتیب، استدلال می‌کند که اگرچه «خداوند مبدأ جمیع حقایق میباشد و عقلاً ذکر علت مقدم است بر ذکر معلول» و «شخص نمیتواند عارف بنفس خویش

۱. Thomas Robert Malthus، جامعه‌شناس، اقتصاددان و کشیش انگلیسی (۱۸۳۴-۱۷۶۶) و نویسنده گفتاری در باره منشأ جمعیت (۱۷۸۹). مالتوس معتقد بود جمعیت انسانی بر اساس تضاد هندسی رشد می‌کند در حالی که رشد منابع غذایی تابع تضاد حسابی است؛ بنا بر این چون سرعت رشد جمعیت انسانی بسیار بیش از منابع غذایی اوست، لاجرم جمعیت انسانی با مکانیزم‌هایی چون جنگ، بیماری و قحطی مهار می‌شود.

۲. نک: نجم‌الدوله، عبدالغفار. (۱۳۸۴ش). سه رساله. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ص ۱۸۳-۱۴۹.

۳. آیه «کل شیء هالک الا وجهه» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ق، ص ۱۲) و بیت «پس بد مطلق نباشد در جهان/ بد به نسبت باشد این را هم بدان» از مولوی (همان، ص ۴۵) از آن جمله است.

شود بدون تصورِ علتِ ایجادش» اما در واقع، انسان «اول بخیال وجود خودش می‌افتد و بخیال عادات اصلیه‌اش یعنی بیاد حواسش می‌افتد و بیاد معارفش (ادراک) و بیاد خواهشهای نفسانیه‌اش که ارادت باشد، قبل از آنکه اطلاع بیینی بر الوهیت و بر مسندات آن یافته‌باشد. و از روی معرفت خویش پی میبرد بمعرفت علت وجودش» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ق، ص ۴۱). این فکر که «خود»، زیربنای هرگونه شناخت، از جمله جهان و خدا است توجه مترجم را جلب کرده و شباهت ظاهری عباراتِ بارب با بعضی گزاره‌های معارف اسلامی او را به گمان مطابقت این دو سنت فکری انداخته است. لذا نجم‌الدوله در تکمیل بیان مؤلف، حدیث «من عرف نفسه فقد عرف ربه» را وارد ترجمه خود می‌کند تا نشان دهد چنین تعلیماتی در تفکر اسلامی هم وجود دارد. در واقع، سخن بارب این است که انسان پیش از شناخت خدا، تصور یا اندیشه‌ای از وجود خود دارد که اساساً نقطه آغاز هرگونه شناخت است؛ اما تعبیری چون «خداوند»، «معرفت خویش» و «معرفت علت وجودش» برای مترجم تداعی‌کننده آن حدیث است؛ او تنها به این حدیث هم بسنده نکرده و در ادامه همین بحث پس از ترجمه عباراتی از بوسوئه - «عقل^۱ عبارت است از معرفت خداوند و معرفت خویش؛ [...] و معرفت ما بنفس خویش باید بلند کند و بکشاند ما را بمعرفت خداوند^۲» (نجم‌الدوله، ۱۳۰۸ق، ص ۴۲)- و در مقام توضیح آن، حدیث دیگری نیز بر متن افزوده: «العقل ما عبُد به الرحمن»؛ یعنی تبیینی از فکر فلسفی دکارت، که در نوشته بارب البته رنگ ولعاب دینی‌تری یافته، توسط مترجم به سخنی در چارچوب عرفان اسلامی تحویل می‌شود؛ آن هم در پی خطای او در ترجمه کلمه فرانسوی *sagesse* به «عقل». این امر نشان می‌دهد که نجم‌الدوله نه تنها این دو فکر را قابل مقایسه که شبیه می‌دانسته است.

«شباهت» میان جنبه‌هایی از فلسفه‌های جدید با سنت فکری عالم اسلامی تنها توجه غیرمتخصصانی چون نجم‌الدوله را به خود جلب نکرده؛ بلکه این لغزش، در سیر مواجهه متفکران ایرانی با اندیشه‌های غربی از برخی استادان بلندمرتبه فلسفه اسلامی نیز

۱. نجم‌الدوله کلمه فرانسوی *sagesse* (به معنای حکمت و دانایی) را به عقل ترجمه کرده است.

۲. نقل سخنان بوسوئه و اشاره به کتاب او، (1741) *Traité de la connaissance de Dieu et de soi-même*، در چاپ اول کتاب بارب وجود ندارد و در چاپ‌های بعدتر، از جمله چهارم و پنجم آن، آمده است. بوسوئه در کتاب خود، به‌رغم عنوان آن، بحث نفس را مقدم بر بحث در باره خدا آورده است.

سرزده^۱؛ چنان‌که این نگاه شباهت‌بین همچنان تا روزگار ما هم تداوم یافته‌است. این شباهت گرچه بیش‌تر به جلوه‌های کلامی فلسفه‌های جدید، به‌خصوص جریان متأثر از آرای دکارت، بازمی‌گردد، اما آنچه اغلب در این مقایسه مغفول واقع شده، نه شباهت که تفاوت‌ها بوده‌است. در واقع، اغلب متفکران ایرانی که بنای مقایسه میان این دو جریان را داشته‌اند متوجه وجه شباهت بوده‌اند - گاه به‌همین دلیل فلسفه‌های جدید را کوچک انگاشته، گاه آنها را بزرگ شمرده‌اند - و به تفاوت این دو نپرداخته‌اند؛ در حالی‌که توجه به تفاوت‌ها و تأمل در آنها شاید می‌توانست باب مسائل جدیدی را در محافل سنتی فلسفه بگشاید.



۱. برای نمونه می‌توان به پاسخ‌های دو استاد مبرز فلسفه اسلامی در دوره قاجار، آقاعلی مدرس (زنوزی) و میرزا علی‌اکبر یزدی به پرسش‌های بدیع‌الملک میرزا اشاره کرد. نک: مجتهدی، کریم. (۱۳۸۴). آشنایی ایرانیان با فلسفه‌های جدید غرب. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، چاپ دوم، ص ۲۸۸-۲۳۷؛ محقق‌داماد، مصطفی. (۱۳۷۸). نخبگان علم و عمل در ایران. تهران: مرکز نشر علوم انسانی، چاپ اول، ص ۲۴۸-۱۱۵.

منابع

- داوری اردکانی، رضا. (۱۳۸۳ش). فلسفه تطبیقی. تهران: نشر ساقی، چاپ اول.
- سیاسی، علی اکبر. (۱۳۸۶ش). گزارش یک زندگی. تهران: نشر اختران.
- فروغی، محمدعلی. (۱۳۲۰ش)، سیر حکمت در اروپا. ج ۳، تهران: بانک ملی ایران، چاپ اول.
- کرمانی، آقاخان. حکمت نظری (نسخه خطی).
- گویینو، آرتور. ([بی.تا.]). مذهب و فلسفه در آسیای مرکزی. ترجمه م. ف.، [بی.جا.].
- ناطق، هما. (۱۳۶۸ش/۱۹۹۰م). ایران در راهیابی فرهنگی: ۱۸۴۹-۱۸۳۵. پاریس: انتشارات خاوران، چاپ دوم.
- _____ . (۱۳۸۰ش). کارنامه فرهنگی فرنگی در ایران: ۱۹۲۱-۱۸۳۷. تهران: معاصر پژوهان، چاپ اول.
- نجم الدوله، عبدالغفار (مترجم). (۱۳۰۸ق). دوره اصول حکمت فلسفه. نسخه خطی کتابخانه دانشکده حقوق دانشگاه تهران، شناسه ۲۱۵-ج.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۸۳ش). «تهران: حوزه فلسفی و عرفانی تهران». دانشنامه جهان اسلام. ج ۸، تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، چاپ اول. ص ۷۵۳-۷۴۹.
- Barbe, Eustache. (1872). *Cours élémentaire de philosophie*. Paris: Lecoffre fils et Cie, successeurs, 5e éd.
- Gobineau, Arthur. (1959). *Les dépêches diplomatiques du Comte de Gobineau en Perse*. Genève-Paris: E. Droz Minard.